سبک زندگی در روستاها، شهرها و استان های ما (بخش پنجم)

درختان نارنج، حوض آب و حلاوت روزه

یکی از ویژگی‌های بارز مردم ایران‌زمین پایبندی و توجه به برگزاری آیین‌ها و آداب و رسوم خاص هر منطقه است. هر چند گاه عناصر فرهنگ ایرانی فراتر از مرزهای شهری، استانی و ملی است. در این میان ماه‌رمضان در برخی استان‌ها و شهرها همراه با آدابی است که خانواده‌های ایرانی طی سالیان طولانی آن آداب و رسوم را حفظ کرده‌اند. آشنایی با این فرهنگ بومی می تواند گام‌موثری در ایجاد سبک زندگی مطابق با آموزه‌های ملی، بومی و مذهبی داشته باشد. رمضان از سال‌های دور تاکنون، در فرهنگ مردم از جایگاهی ممتاز برخوردار بوده و همواره آیین‌های ویژه‌ای در ارتباط با این ماه، در میان مردم کشورهای اسلامی به اجرا درآمده است. آداب و رسوم ماه مبارک رمضان یکی از مباحث مهم فرهنگ مردم است که به واسطه قدمت خود، از قداست ویژه‌ای برخوردار است. متاسفانه در زندگی شهری و ماشینی، بسیاری از این سنت‌های زیبا به بوته فراموشی سپرده شده و بسیاری دیگر نیز کم‌رنگ‌تر شده‌اند و از آن‌جا که این رسوم زمینه‌ساز همبستگی در جامعه به‌ویژه در میان آحاد خانواده‌هاست، اهمیت فراوانی نیز دارد.

زنان لر با مشقت آب گوارای سفره افطاری را تهیه می‌کنند.

آداب و رسوم مردم آذربایجان‌غربی در ماه مبارک رمضان

مردم آذربایجان‌غربی با داشتن رسمی با عنوان «قاباخلاما» سه‌روز قبل از آغاز ماه مبارک رمضان به پیشواز این ماه الهی می‌روند و بنابر رسم‌های دیرینه در روزهای پایانی ماه شعبان برای رویت ماه به پشت‌بام منازل می‌روند و در صورت مشاهده هلال ماه با ذکر صلوات به شادمانی می پردازند. بعد از مشاهده هلال ماه به چهره کودک معصوم یا فرد مومن نگریسته و معتقد هستند که نگاه‌کردن به چهره فردی که به واجبات دین عمل نمی کند خوش‌یمن نیست هرچند این رسم با ایجاد گروه‌های رصد هلال ماه کمرنگ‌تر شده است ولی در برخی مناطق روستایی همچنان رواج دارد. در محله‌های قدیمی که رسم و آیین‌ها هنوز بر جای خود باقی است، یک ساعت مانده به اذان صبح در خانه همسایه‌ها را می‌زنند و آنها را برای سحری یا به زبان ترکی «اوباش‌دان» بیدار می کنند. در برخی روستاها نیز فرد مومنی با صدای گیرایی بر پشت‌بام خانه اهالی را برای سحری بیدار می کند.

پهن کردن سفره‌های افطار در بین نیازمندان و فقرا از دیگر رسم‌های مردم این خطه است و در برخی خانواده‌ها نیز حداقل یکبار به فامیل افطاری می‌دهند و زنان نیز با درست‌کردن غذا و افطاری از میهمانان پذیرایی می کردند در حالی که امروزه اکثر میهمانی‌ها در غذاخوری و رستوران برگزار می‌شود و صفا و صمیمیت بین خانواده‌ها کمرنگ‌تر شده به‌طوری که ریش‌سفیدان این مرز و بوم با حسرت از افطاری‌های سالیان گذشته سخن می گویند.

نان روغنی، سوپ، آش‌رشته، آش دوغ، حلیم، خرماهای تزیین‌شده با گردو و گل‌محمدی، پنیر، سبزی، ماست و شیر از مهم‌ترین غذاهای مردم آذربایجان‌غربی بر سر سفره‌های ماه‌رمضان است.

با فرارسیدن شب‌های قدر مردم مومن و دیندار آذربایجان‌غربی با حضور در مساجد و حسینیه‌ها به عزاداری و شب‌زنده‌داری می‌پردازند و با دادن نان، پنیر، گردو و غذاهای خانگی از شب‌زنده‌داران پذیرایی می‌کنند.

کیسه‌دوزی در شب قصاص ابن‌ملجم از دیگر رسم‌های مردم این خطه است که بنابر رسم‌های قدیمی دختران و زنان در شب (۲۷رمضان) با دوختن کیسه‌ای به نام «ابن‌ملجم» با هر سوزنی که به کیسه می‌زنند یکبار به ابن‌ملجم لعنت می‌فرستادند.

و آخرین روز ماه مبارک رمضان که در بین مردم این دیار به نام «عرفه» مشهور است به زیارت اهل قبور می‌روند و در این روز مردم میزان فطریه خود را که شامل آرد، گندم یا برنج است محاسبه و آن را در جایی نگهداری می کنند تا در اولین فرصت در اختیار نیازمندی قرار دهند و برخی از مردم بر این باورند که فطریه باید در همان روز اول به فقرا داده شود.

با حلول ماه شوال مردم این دیار با شادمانی و به شکرانه یک ماه روزه‌داری به اقامه نماز عید فطر می‌پردازند و با پختن شله‌زرد و خیرات آن، این روز را جشن می‌گیرند.

آداب و رسوم ماه‌رمضان در شیراز

برای افطار در شیراز مردم از غذاهای خاصی که فقط مخصوص این ماه است استفاده می کنند که ترحلوا و زولبیا و بامیه و رنگینک جزو آنهاست و بعد از افطار به دیدن یکدیگر می‌روند و این دید و بازدید را (ماه رمضانی) می‌گویند. شیرازی‌ها شب‌های قدر را بسیار محترم می‌شمارند و در این شب‌ها به مساجد و حسینیه‌ها می‌روند تا صبح بیدار می‌مانند و دعا می‌خوانند.

شیرازی‌ها آخرین جمعه قبل از ماه مبارک رمضان را کلوک‌اندازون می‌گویند در این روز رسم است که اگر ماه‌رمضان در تابستان افتاده باشد مردم دسته‌دسته به گردشگاه‌های اطراف شهر مثل باغ‌های سرسبز قصردشت و مکان‌های دیدنی شیراز می‌روند و آن روز را به خوبی و خوشی به شام می‌رسانند چون معتقدند که ماه مبارک‌رمضان، ماه عبادت است و در این ماه تنها باید به عبادت پرداخت و بس. بعضی به پیشواز ماه مبارک‌رمضان رفته و از مدتی قبل از ماه مبارک‌رمضان در روزهایی که بشود روزه می گیرند. در ایام ماه مبارک‌رمضان بعضی نذر دارند و افطاری می‌دهند و به‌طور کلی مهمانی‌ها در این ماه به‌صورت افطاری برگزار می‌شود. چه‌بسا اتفاق می‌افتد که تا هنگام سحر دور هم نشسته به صحبت از این طرف و آن طرف می‌پردازند که بدان شبچره می گویند. شبچره تنقلاتی است که در این شب‌ها مصرف می کنند مثل رنگینک، زلیبی «زولبیا» و بامیه.

خانواده‌هایی که دختری را به شوهر داده باشند در اولین ماه مبارک‌رمضان بعد از عروسی پدر و مادر دختر موظف هستند که یک افطاری کامل تهیه دیده همراه با گلی (در شیراز هر نوع کادو عروسی را گل می گویند) مثل گوشواره، انگشتری، سینه‌ریز، النگو و... به خانه داماد می‌فرستند. به این افطاری در شیراز روزوالون می گویند.

جمعه‌الوداعی

شیرازی‌ها به آخرین جمعه ماه مبارک‌رمضان جمعه‌الوداعی می گویند. در این زمینه از کتاب رمضان در فرهنگ مردم گردآوری و تالیف سید احمد کیلیان مطلبی برگزیده‌شده که می‌خوانید:

«شیرازی‌ها به آخرین جمعه ماه رمضان «جمعه‌الوداعی» می گویند. روز جمعه‌الوداعی مسجدجامع شیراز بسیار شلوغ می‌شود به‌طوری که داخل تمام شبستان‌ها، ایوان‌ها، صحن مسجد حتی دالان‌ها سجاده پهن است و زنان شهر هر کدام به نیت خاصی از پیش از ظهر و اوایل روز برای گرفتن جای مناسب به مسجد می‌روند، یک دسته برای درست‌کردن چل بسم‌الله، جماعتی برای گرفتن دعای کیسه از دست آقا «پیشنماز و امام‌جماعت مسجد» یک عده برای نوشتن دعای سیاه‌سرفه روی پوست کدو، یک گروه از دخترهای دم‌بخت به نیت گشایش بخت، جمعی از زن‌های بی‌فرزند به قصد بچه‌دار شدن، عده‌ای از زنان بچه‌دار به نیت گرفتن فرزندشان از شیر و خلاصه هر کسی به امید و نیتی به مسجدجامع می‌رود. در مسجدجامع شیراز منبری بلند و بسیار قدیمی با پله‌های متعدد وجود دارد که به منبر امام‌حسن(ع) معروف است.

روز جمعه الوداعی بعد از نماز جماعت و وعظ و سخنرانی عده زیادی از زن‌ها اطراف منبر جمع می‌شوند. گروهی از دختران دم‌بخت به نیت بازشدن بخت سه مرتبه از منبر بالا و پایین می‌روند و معتقدند که با این کار تا سه روز یا سه هفته یا سه ماه بعد به خانه بخت می‌روند.

> **خانواده‌هایی که دختری را شوهر داده باشند در اولین ماه مبارک رمضان بعد از عروسی پدر و مادر دختر موظف هستند که یک افطاری کامل تهیه دیده همراه با گلی مثل گوشواره، انگشتری، سینه‌ریز، النگوو... به خانه داماد می‌فرستند**

زنان بی‌فرزند که آرزوی داشتن فرزند دارند، ننی «ننو» کوچک درست می کنند و یک عروسک قنداق کرده داخل ننی می گذارند و با خود به مسجد می‌آورند و در گوشه‌ای می‌بندند و چند مرتبه ننی را می جنبانند و نیت می کنند اگر تا سال بعد صاحب فرزندی شوند جمعه آخر ماه رمضان داخل صحن مسجد حلوا بپزند و خیرات کنند. بسیاری از زنان عقیده دارند اگر ننی را پشت منبر امام حسن(ع) ببندند اثرش بیشتر است.

اما زنانی که باردار هستند مخصوصا آنهایی که شکم اولشان است مقداری پارچه، ریسمان، قیچی، سوزن و انگشتانه با خود به مسجد می‌آورند و بعد از نماز ظهر و عصر پارچه را می‌برند و رختکی می‌دوزند چنانچه فرصت نکردند رختک را در مسجد بدوزند چند بخیه به آن می‌زنند و رختک را در خانه می‌دوزند و این رختک را تا زمان تولد فرزندشان نگه می‌دارند و به‌عنوان اولین لباس به تن نوزاد می‌پوشانند و عقیده دارند با پوشیدن این رختک فرزندشان تا آخر عمر لباس عافیت می‌پوشد و ناخوش و بیمار نمی‌شود.

مادرانی هم که می‌خواهند بچه از شیر بگیرند روز جمعه آخر ماه رمضان چند عدد انار شیرین به مسجد می‌آورند اگر خود سواد داشته باشند سوره مبارکه یاسین می‌خوانند و به انارها می‌دمند و اگر سواد نداشته باشند از شخصی با سواد خواهش می کنند تا سوره یاسین را خوانده و به انارها بدمد. انارها را تا زمانی که می‌خواهند بچه را از شیر بگیرند نگه می‌دارند و چند روز از آب انار شیرین به طفل می‌دهند معتقدند از برکت سوره یاسین و میوه بهشتی انار بچه صبور می‌شود و بهانه نمی گیرد.

مسجد فتح و جمعه آخر ماه مبارک رمضان:

بسیاری از زنان شیرازی بعد از مراسم جمعه‌الوداعی از مسجدجامع به مسجد فتح که در محله یهودیان بنا شده است می‌روند. بیشتر جمعیت را دختران دم‌بخت و زنان حاجتمند تشکیل می‌دهند و این مسجد در بعدازظهر جمعه آخر ماه مبارک رمضان پر از جمعیت می‌شود، هر کس برای برآورده‌شدن حاجتش شمعی روشن می کند به‌طوری که شبستان مسجد از دود شمع دیده‌نمی‌شود.

عده‌ای از زنان هم در صحن مسجد مشغول پختن حلوا شده و بچه‌ها هم برای گرفتن حلوای نذری جمع می‌شوند. در حیاط مسجد درختان نارنج و حوض آبی است و هر حاجتمندی برگ نارنجی می‌چیند و به امید برآورده‌شدن حاجتش در حوض آب می‌اندازد هر کدام از حاجتمندان هم در آخر مراسم ۲ رکعت نماز «تهیه» می‌خوانند و ثواب آن را به روان بانی و کسانی که مسجد را تهیه کرده‌اند می‌فرستند مردم با انجام این عمل اعتقاد دارند تا جمعه آخر ماه رمضان سال بعد حاجتشان برآورده می‌شود.

روز آخر ماه رمضان که رسید مردم به پشت‌بام خانه یا خارج از شهر می‌روند تا ماه شوال را رؤیت کنند و اگر رؤیت شود فردای آن روز عید فطر است.

صبح عید فطر همه مردم شیراز به مساجد می‌روند و نماز مخصوص این روز را می‌خوانند و افراد خیر صبحانه که شامل (نان، پنیر و سبزی) است بین مردم تقسیم می کنند و در این روز نیز باید فطریه خود را بپردازند. فطریه یک نوع صدقه است که مردم به تعداد افراد خانواده، قبل از غروب باید کنار بگذارند و درواقع از مال خود جدا کنند و صبح عید به فقرا بدهند. اگر چنانچه آخر ماه رمضان فرد یا افرادی در منزل کسی باشند باید فطریه آنها را نیز پرداخت کنند. در این روز مردم شیراز به جشن و سرور می‌پردازند و خدای بزرگ را شکر می گویند.

روزه بچه‌ها:

بچه‌ها دوست دارند که هنگام سحر کنار سفره نشسته باشند، پدر و مادرها بچه‌ها را تشویق می‌کنند تا کنار سفره بنشینند و سحری بخورند. بچه‌ها معمولا نیم‌روز روزه می‌گیرند که بدان روزه کله‌گنجشکی می گویند. این کار نوعی تمرین است برای بچه‌ها چون با این کار آمادگی لازم را به دست می‌آورند تا وقتی که به سن تکلیف رسیدند بتوانند روزه کامل بگیرند.

خوراکی‌های ویژه ماه‌رمضان در شیراز:

۱-رنگینک ۲-ترحلوا ۳-کوفته هلو ۴-کشمش پلو ۵-قنبر پلو

مردم شیراز به‌طور کلی خوراک‌هایی در این ماه بیشتر مصرف دارند که چاشنی داشته باشند. از شیرینی‌ها در این ماه زلیبی و بامیه است که بین مردم رواج کامل دارد.

نان شیرین‌فروش‌ها هم در این ماه بازار گرمی دارند و نوعی نان شیرین تهیه می‌کنند به نام نان‌چاهی که هنگام افطار قبل از این که خوراک را بخورند این نان را با چای میل می کنند. کسی که از روزه درمی‌آید ابتدا یک استکان عرق گاوزبان می‌خورد. مردم شیراز می گویند روزه سرد است عرق گاوزبان گرم را می‌خورند که سردی آن را از بین ببرد.

آداب ویژه ماه مبارک رمضان در استان لرستان

مردم استان لرستان قبل از فرارسیدن ماه مبارک مایحتاج اولیه این ماه را تهیه می کنند و این مساله در روستاهایی که فاصله زیادی تا شهر دارند، نمود بیشتری دارد. برخی از مردم در روزهای آخر ماه شعبان با گرفتن روزه به استقبال ماه مبارک می‌روند. در روزهای آخر از ماه شعبان مساجد استان را نظافت کرده و با غبارروبی آن را برای برگزاری مراسم ماه مبارک مهیا می کنند. در برخی نقاط نظافت مساجد را زنان عهده‌دار می‌شوند.

در غروب آخرین روز ماه شعبان، مردم نقاط مختلف استان از پشت‌بام‌های خود و نقاط بلند منطقه به‌دنبال هلال ماه مبارک می گردند و اگر هم ماه را رؤیت نکردند، با توجه به وسایل ارتباط‌جمعی از جمله رادیو و تلویزیون از آغاز ماه مبارک آگاه می‌شوند. با آغاز ماه مبارک از سوی سازمان تبلیغات استان به هریک از روستاها و مساجد استان روحانی‌ای برای امر تبلیغ اعزام می‌شود. در این ایام نماز جماعت در تمامی مساجد برگزار شده و در برخی جاها بعد از نماز ظهر و عصر مراسم سخنرانی برگزار می‌شود و در بعضی مساجد بعد از نماز مغرب و عشا مردم به سخنرانی روحانی گوش می‌دهند.

در این ماه در اکثر مساجد مجالس قرائت و تجوید قرآن برپا می‌شود. خانم‌ها نیز برای خود مجالس قرائت قرآن و احکام برپا می کنند و استقبال از این مجالس نسبتا خوب است. هنگام سحر صدای مناجات از اکثر مساجد به گوش می‌رسد و مردم با شنیدن صدای مناجات از خواب بیدار شده و ضمن خوردن سحری و مناجات با پروردگار، خود را برای روزه آماده می کنند. البته امروزه صدای زنگ ساعت هنگام سحر است که مردم را از خواب بیدار می کند و اگر احیانا خانواده‌ای نیز بیدار نشود، همسایگان با نواختن زنگ خانه، آنها را از خواب بیدار می کنند.

با فرارسیدن مغرب و پخش اذان از مساجد، در بیشتر جاها مردم در مساجد حاضر و پس از اقامه نماز مغرب و عشا به منازل برگشته و افطار می‌کنند. سنت پسندیده افطاری‌دادن نیز در بین مردم استان رایج است.

البته این افطاری دادن بیشتر در حد گروه‌های خویشاوندی است و در برخی مناطق نیز در مساجد به مردم افطاری داده می‌شود. در شب نیمه ماه مبارک که مصادف با ولادت امام‌حسن‌مجتبی‌علیه‌السلام است، در مساجد استان مجالس جشن و سرور برپا و در این مراسم ضمن سخنرانی واعظ از شرکت‌کنندگان پذیرایی می‌شود.

در شب‌های قدر مردم پس از افطاری خوردن و مختصری استراحت به مساجد می‌روند و مشغول عبادت و مناجات با پروردگار خود می‌شوند. در این شب کسانی که در مسجد آمده‌اند تا سحر بیدار مانده و دعای جوشن‌کبیر و زیارت عاشورا را قرائت می‌کنند. با توجه به اینکه شب‌های احیا مصادف است با ایام ضربت‌خوردن و شهادت امیرالمؤمنین، در مساجد مردم به عزاداری و مدیحه‌سرایی مشغول می‌شوند.

در روز بیست‌ویکم ماه مبارک نیز مردم در مساجد جمع شده و در فراق اولین مولای شیعیان به سوگ می‌نشینند. روحانی‌ای که در این ایام به نقاط مختلف استان اعزام می‌شود، در خانه یکی از مردم و اهالی منطقه سکنی می گزیند و تا پایان ماه مبارک می‌بایستی در همان منزل ساکن باشد.

فرصتی برای تقویت هویت فرهنگی

اسما روانخواه
پژوهشگر اجتماعی

شده است گاهی اوقات با خودمان فکر کنیم در دنیای امروز، رعایت آداب‌ورسوم و گوش به زنگ ماندن برای رسیدن مناسبت‌های خاص و انجام مناسک مربوط با آن مناسبت دیگر جایگاهی ندارد. گاهی هم فکر می کنیم آداب و رسوم گذشته باید در همان گذشته باقی بمانند و در زندگی روزمره ما کاربردی ندارند. اما قبل از این که بخواهیم مثل خطوط کتاب‌ها و نظریات از ضرورت توجه به آداب‌ورسوم و رعایت مناسک و تأثیر آنها در انسجام اجتماعی حرف بزنیم، بهتر است کمی به عقب برگردیم و کمی خاطراتمان را مرور کنیم. به زمان‌هایی که هر کدام از ما، ماه رمضان را در خانه‌های پدری تجربه می کردیم. بیدار شدن برای سحری‌هایی که بهانه‌ای بود تا همه اعضای خانواده سر یک سفره جمع شوند و افطارهایی که باز هم همه اعضای خانواده را می توانست کنار هم بنشاند. شاید کمتر زمانی را می‌توانیم به‌خاطر بیاوریم که همه اعضای خانواده فرصت دیدار هم را در طول روز داشتند.

معمولا در روزهایی به جز روزهای ماه رمضان هر کدام از اعضای خانواده، از پدر و مادر گرفته تا فرزندان، باتوجه‌به مشغله‌ای که داشتند از هم دور می‌افتادند، کمتر زمانی اتفاق می‌افتاد که پدر یا مادر خانواده همزمان با فرزندان سر سفره حاضر باشند. فرزندان هم به غذاهای داخل یخچال یا فریزر شده عادت داشتند و می‌دانستند از مدرسه که می‌آیند باید نیم‌ساعت بعد غذا را گرم کنند و به تنهایی بخورند و ...؛ اما ماه رمضان حکایتی دیگر داشت. فرصتی بود برای مشارکت همه اعضای خانواده در منزل، یکی افطار را آماده می‌کرد، یکی نان می‌خرید، یکی باید سفره را پهن می‌کرد و یکی هم می‌شد مسئول شستن ظرف‌ها! جدای از مشارکت، می‌شد بدون دغدغه کنار هم نشست و به صحبت‌های یکدیگر گوش داد!

قبلا در همین صفحه گزارشی آمده بود با موضوع «زمان گفت‌وگو در خانواده» که اشاره‌ای داشت به فقدان زمان‌های گفت‌وگو در خانواده و این که تا چه حد می تواند آسیب‌زا باشد و خانواده‌ای که زمانی را برای گفت‌وگوی اعضای آن با هم، اختصاص نمی‌دهد نمی‌تواند دارای محیط آرام و کم‌تنش باشد، زمانی که در گذشته ماه رمضان جدای از همه کارکردهای اجتماعی و اعتقادی برای خانواده‌ها ایجاد می کرد.

امروز مقاله‌ای می‌خواندم در ارتباط با هویت فرهنگی و نسبت آن با نشاط اجتماعی. در بخشی از آن مقاله اینگونه آمده است: «یکی از موضوع‌هایی که باید در همه جوامع به آن توجه شود موضوع تقویت هویت فرهنگی است. تقویت هویت فرهنگی همبستگی اجتماعی در جامعه را تقویت می کند و علاوه‌بر آن انسجام اجتماعی و نشاط اجتماعی در جامعه را افزایش می‌دهد. از دیگر مزیت‌های تقویت هویت فرهنگی، جامعه‌پذیری مناسب افراد است، یعنی وقتی افراد با هویت خودشان آشنا می‌شوند جامعه‌پذیری بهتری صورت می گیرد. هویت فرهنگی شامل باورها، زبان و آداب و رسوم و... است و طبیعتا در چنین جامعه‌ای افراد مانند درختی که در خاک ریشه دوانده است، در مقابل توفان‌ها مقاوم خواهند بود.

برای این که ارتباط بین نسلی مناسبی ایجاد شود و شکاف نسلی به وجود نیاید، تقویت هویت فرهنگی راه موثری برای تحقق این هدف است، در این شرایط جامعه‌ای با امنیت اجتماعی پایدار، مستمر و همه‌جانبه خواهیم داشت.

در برخی از کشورها به‌عنوان مثال افراد برای نشاط و شادی به همدیگر گوجه‌فرنگی پرتاب می کنند یا تن به حوادث خطرناکی می دهند در حالی که ما مراسم و آیین‌هایی داریم که ضمن انتقال شادی دارای مفاهیم اجتماعی و فرهنگی نیز هستند. فراموش نکنیم اگر به دنبال تقویت این حوزه نباشیم به ناچار جوانان ما تحت‌تأثیر فرهنگ بیگانه قرار خواهند گرفت که یکی از اثرات تاثیرپذیری از فرهنگ بیگانه، بیگانگی با فرهنگ اجتماعی است که عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌تفاوتی نسبت به خانواده را به دنبال خواهد داشت، ضمن آن‌که برای تقویت هویت‌فرهنگی، خانواده‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی نقش اساسی دارند و نباید منتظر باشیم تا دیگران از بیرون مرز برای هویت فرهنگی ما سیاست گذاری و برنامه‌ریزی کنند.»

اما آنچه که در این مقاله آمده بود و ارتباط با آن با آنچه که پیش از این گفته بودم در اینجاست که ماه رمضان و رعایت آداب‌ورسوم مخصوص به آن و توجه به مناسک مربوط به این ماه یکی از همان مواردی است که می‌تواند هویت فرهنگی را تقویت کند. آداب و رسومی که قرار نیست در همان گذشته باقی بماند و اتفاقا حضورش در زندگی پر سرعت خانواده‌های امروزی، لازم و ضروری است.

خانواده‌های امروزی هم می توانند همان لذتی را که در کودکی از دیدن سفره‌های افطار و آماده شدن برای سحری و جمع‌شدن اعضای خانواده در کنار هم تجربه می کردند، برای فرزندانشان فراهم کنند، ضمن آن‌که با ایجاد فضایی دوستانه می توانند بسیاری از ارزش‌های دینی و اخلاقی که در این ماه بر آنها تأکید می‌شود را به فرزندان خود منتقل کنند.